



زیگموند فروید

سخنرانی‌هایی در معرفی

روان‌کاوی

روانکاوی

ترجمه‌ی فرزاد پروا

فروید، زیگموند، ۱۹۳۹ - ۱۸۵۶ م. Freud, Sigmund

رؤیاها: سخنرانی‌هایی در معرفی روان‌کاوی / زیگموند
فروید؛ ترجمه‌ی فرزاد پروا. - تهران: نشر چشمه، ۱۳۸۵.

ISBN 964-362-336-X ۲۷۲ ص.

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیپا.

عنوان اصلی

Vorlesungen Zur Einfuhrung in die psychoanalyse

کتاب حاضر ترجمه جلد پانزدهم از کتاب Introductory

lectures on psycho - Analysis می‌باشد. واژه‌نامه. کتابنامه.

سخنرانی‌هایی در معرفی روان‌کاوی. روان‌کاوی. پروا، فرزاد،

۱۳۴۹-، مترجم

۱۵۰/۱۹۵۲

BF۱۷۳/ف۴۸۹۵

۱۳۸۵

۸۵-۳۹۵۳۳

شماره کتابخانه ملی

رؤیاها

زیگموند فروید

ترجمه‌ی فرزاد پروا

ویرایش: فرشته ساری

حروف‌نگار و صفحه‌آرا: بختیاری

لیتوگرافی: مردمک

چاپ: حیدری

صحافی: کتیبه

تیراژ: ۱۵۰۰ نسخه

چاپ اول، بهار ۱۳۸۶، تهران.

ناظر فنی چاپ: یوسف امیرکیان

حق چاپ و انتشار مخصوص نشر چشمه است.

شابک X - ۳۳۶ - ۳۶۲ - ۹۶۴

دفتر مرکزی و فروش نشر چشمه: تهران، انقلاب، خیابان ابوریحان بیرونی، خیابان وحید: نثری، شماره ۷۱.

تلفن: ۶۶۲۹۲۵۲۲ دورنگار: ۶۶۳۶۱۴۵۵

فروشگاه نشر چشمه: تهران، خیابان کریم‌خان‌زند، پش میرزای شیرازی، شماره ۱۶۱. تلفن ۸۸۹۰۷۷۶۶

فهرست

- ۹ یادداشت ویواستار و مترجم کتاب (از زبان آلمانی به انگلیسی)
- ۱۷ پیش‌گفتار نویسنده (۱۹۱۷)
- ۱۹ پیش‌گفتار نویسنده (۱۹۳۰)
- ۲۱ پیش‌گفتار مترجم
- ۲۵ سخنرانی اول - [رؤیاها] - رویکردهای اولیه و مشکلات راه
- ۵۳ سخنرانی دوم - مفروضات و تکنیک تعبیر
- ۷۳ سخنرانی سوم - محتوای آشکار و رؤیا - افکار پنهان
- ۹۱ سخنرانی چهارم - رؤیاهای کودکان
- ۱۰۷ سخنرانی پنجم - عمل سانسور در رؤیاها
- ۱۲۵ سخنرانی ششم - نمادوری (سمبولیسم) در رؤیاها
- ۱۵۵ سخنرانی هفتم - رؤیا - کار
- ۱۷۵ سخنرانی هشتم - کمی تحلیل از چند رؤیای نمونه
- ۱۹۷ سخنرانی نهم - ویژگی‌های باستانی و کودک‌ماندگی رؤیاها
- ۲۱۷ سخنرانی دهم - برآورده شدن آرزوها
- ۲۳۷ سخنرانی یازدهم - عدم قطعیت‌ها و انتقادات
- ۲۵۵ سخنرانی دوازدهم - روان‌کاوی و روان‌پزشکی

یادداشت ویراستار و مترجم کتاب (از زبان آلمانی به انگلیسی)

ترجمه‌ی حاضر | بعد از ترجمه‌های ۱۹۲۰، ۱۹۲۲، ۱۹۲۹، ۱۹۳۵ از زبان آلمانی به انگلیسی | ترجمه‌ی جدیدی است که توسط جیمز استراچی^۱ انجام شده است.

این کتاب به‌جز احتمالاً روان - آسیب‌شناسی زندگی روزمره^۲، تیراژی بالاتر از سایر آثار فروید داشته است^۳. این اثر همچنین از نظر تعداد اشتباهات چاپی در آن نیز متمایز است... ۴۰ اشتباه موجود در چاپ دوم تصحیح شدند؛ اما تعداد آن اشتباهات خیلی بیش‌تر از این (۴۰ تا) بود و در چاپ‌های گوناگون، تغییرات کوچک فراوانی را می‌توان دید که در متن اعمال شده‌اند. ترجمه‌ی حاضر براساس متن [آلمانی] *Gesammelte Werke (G. W.)* انجام شده است، که در حقیقت با متن *Gesammelte Schriften (G. S.)* یکسان است؛ و فقط تفاوت‌های مهم‌تر با چاپ‌های قبلی ذکر شده‌اند.

زمان دقیق چاپ این کتاب در سه بخش [به زبان آلمانی] روشن نیست. چاپ بخش اول [یعنی پاراگراف‌های یا لغزش‌وری‌ها]، براساس ارجاعی که

به آن در نامه‌ی فروید به لوآندره - سالومه^۴ در ۲۷ ژوئیه ۱۹۱۶ وجود دارد (رجوع کنید به فروید، ۱۹۶۰)، قطعاً قبل از پایان ژوئیه ۱۹۱۶ بوده است. او همچنین در همین نامه صحبت از این می‌کند که بخش دوم [یعنی رؤیاها] به زودی چاپ خواهد شد. به نظر می‌رسد بخش سوم [یعنی تئوری عمومی روان‌نژندها]، در ماه مه ۱۹۱۷ چاپ شده باشد.

سال تحصیلی در دانشگاه وین بر دو بخش بود: یک ترم زمستانی (یا نیم‌سال) که از اکتبر تا مارس [حدوداً از مهر تا اسفند] طول می‌کشید، و یک ترم تابستانی از آوریل تا ژوئیه [حدوداً از فروردین تا تیر]. سخنرانی‌هایی که در این‌جا چاپ شده‌اند توسط فروید در دو ترم زمستانی متوالی طی جنگ جهانی اول ارائه شده‌اند: در سال‌های ۱۶-۱۹۱۵ و ۱۷-۱۹۱۶. کامل‌ترین توضیح در مورد شرایطی که به چاپ آن‌ها انجامید در جلد دوم بیوگرافی [فروید] نوشته‌ی ارنست جونز^۵ آمده است (۱۹۵۵).

گرچه آن‌طور که خود فروید در پیش‌گفتار سخنرانی‌های مقدماتی نوین^۶ می‌گوید، او در دانشگاه وین تنها عضوی حاشیه‌ای بود، با این حال او از زمان انتصاب به عنوان Privdozent در سال ۱۸۸۵ و به عنوان Professor Extraordinarius در ۱۹۰۲، سخنرانی‌های دوره‌ای فراوانی در دانشگاه داشت. این سخنرانی‌ها ثبت نشده‌اند، گرچه گزارش‌هایی از آن‌ها وجود دارد - به عنوان مثال توسط هانس ساکس^۷ (۱۹۴۵)، تنودور رایک^۸ (۱۹۴۲) و ارنست جونز (۱۹۵۳). فروید تصمیم گرفته بود سری سخنرانی‌هایی که از پاییز ۱۹۱۵ آغاز شده بود، آخرین آن‌ها باشد، و بنابه پیشنهاد اُتورانک^۹ بود که با چاپ آن‌ها موافقت کرد. فروید در پیش‌گفتاری که بر سخنرانی‌های مقدماتی نوین، که تازه ذکرش رفت، نوشته، به ما می‌گوید که نیمه‌ی نخست سری سخنرانی‌های قبلی «فی‌البداهه گفته شده و بلافاصله بعد از آن مکتوب شده‌اند» و این که «پیش‌نویس نیمه‌ی دوم، در تعطیلات تابستانی بینابینی در سالسبورگ^{۱۰} نوشته و کلمه

به کلمه در زمستان بعدی خوانده شده‌اند». او اضافه می‌کند که در آن زمان «او هنوز از [موهبت] حافظه‌ای آوانگاشتی^{۱۱} برخوردار بوده»، چرا که هر قدر هم که سخنرانی‌هایش با دقت آماده می‌شدند، ارائه‌ی عملی آن‌ها همواره بداهه و معمولاً بدون یادداشت بوده است. توافقی عمومی در مورد شیوه‌ی سخنرانی او وجود دارد: این‌که او هرگز با لفاظی سخن نمی‌گفته و آهنگ صدایش همواره آهنگ گفتگوی آرام و حتماً صمیمانه بوده است. اما نباید از این‌ها، این تصور پیش بیاید که سخنرانی‌هایش ونگارانه یا نامرتب بوده‌اند. آن‌ها فرم معینی داشتند — سرآغاز، تنه و انتها — و اغلب به شنونده این احساس را می‌دادند که از وحدت زیبایی‌شناسانه‌ای^{۱۲} برخوردارند.

چنین گفته شده (رایک، ۱۹۴۲) که او سخنرانی کردن را دوست نمی‌داشت، اما قبول کردن این مطلب دشوار است، نه فقط به دلیل تعداد سخنرانی‌هایی که در طول زندگی‌اش ارائه کرد، بلکه به خاطر این‌که از کارهای چاپ‌شده‌ی او، در عمل، بخش فوق‌العاده زیادی به شکل سخنرانی است. با این وجود برای این تضاد می‌توان دلیلی جست. بررسی نشان می‌دهد که در میان کارهای چاپ‌شده‌ی او عمدتاً آثار توضیحی^{۱۳} هستند که به صورت سخنرانی چاپ شده‌اند: به عنوان مثال، سخنرانی اولیه در مورد «سبب‌شناسی هیستریا» (۱۸۶۹)، چندی بعد سخنرانی «در باب روان‌درمانی» (۱۹۰۵)، و نیز البته پنج سخنرانی که در آمریکا ارائه شدند (۱۹۱۰) و سری سخنرانی‌های حاضر. اما فراتر از این، او وقتی چندین سال بعد می‌خواست شرحی از رشد بعدی نظریاتش بدهد، بدون هیچ دلیل روشنی، یک‌بار دیگر آن‌ها را به شکل سخنرانی در آورد و کتاب «سخنرانی‌های مقدماتی نوین»^{۱۴} را چاپ کرد، گرچه هرگز امکان این‌که آن‌ها به صورت سخنرانی ارائه شوند وجود نداشت. بدین ترتیب روشن است که سخنرانی به عنوان شیوه‌ای برای ارائه نظراتش، برای فروید دلچسب بود، البته فقط در صورتی که شرط خاصی را برآورده

می ساخت: او می بایست در ارتباط زنده‌ای با شنوندگان واقعی یا مفروض قرار می گرفت. خوانندگان کتاب حاضر در خواهند یافت فروید چگونه این ارتباط را همواره زنده نگاه می دارد - چه طور مرتب مخالفت‌هایی در دهان شنوندگانش می گذارد و چه قدر فراوان بحث‌های خیالی بین خودش و شنوندگانش راه می اندازد. او در حقیقت این شیوه بیان موضوعش را به برخی از آثاری که اصلاً سخنرانی نیستند منتقل کرده است: تمام «مسئله‌ی روان‌کاوی غیرحرفه‌ای»^{۱۴} (۱۹۲۶c) و قسمت اعظم «آینده‌ی یک پندار»^{۱۵} (۱۹۲۷c) به شکل دیالوگ بین نویسنده و شنونده‌ای نقاد نوشته شده‌اند. در نقطه‌ی مقابل برخی تصورات غلط، فروید کاملاً با این که نظراتش را به شکلی خودکامانه و جزم‌اندیشانه ارائه کند مخالف بود. او در این سخنرانی‌ها، جایی می گوید: (من آن را به شما نمی گویم، بلکه اصرار دارم که شما آن را برای خودتان کشف کنید). مخالفت‌ها خاموش نمی شود بلکه به بحث گذاشته و بررسی می شود. و این، هر چه که باشد، چیز دیگری جز تعمیم ویژگی اساسی تکنیک خودروان‌کاوی، نیست.

«سخنرانی‌های مقدماتی» می تواند به حق صورت برداری نظریه‌های فروید و موقعیت روان‌کاوی در زمان جنگ جهانی اول باشد. کناره گیری آدلر و یونگ قبل از آن اتفاق افتاده بود، از مفهوم خودشیفتگی (نارسیسیسم)^{۱۶} چند سالی می گذشت، شرح حال موردی تاریخ ساز «گرگ مرد» یک سال قبل از شروع سخنرانی‌ها به نگارش در آمده بود (به جز دو پاراگراف)، گرچه تا بعدها چاپ نشد. علاوه بر این، سری مقالات شامخ فراوان‌شناسی (متاسایکولوژی)^{۱۷} در مورد تئوری بنیادی چند ماه زودتر به پایان رسیده بود، گرچه [تا آن زمان] تنها سه تا از آن‌ها به چاپ در آمده بود (دو تای دیگر از آن‌ها بلافاصله بعد از سخنرانی‌ها چاپ شدند، اما هفت تای باقی مانده بدون این که نشانه‌ای از نبود باقی بگذارند ناپدید شدند). این فعالیت‌های آخری، و نیز بی تردید ارائه سخنرانی‌ها بر اثر کاهش کارهای کلینیکی فروید که حاصل شرایط جنگ بود،

امکان‌پذیر شده بود. از قرار معلوم نقطه‌ی عطفی^{۱۸} پدید آمده بود و ظاهراً زمان آن بود تا توقفی صورت گیرد. اما در حقیقت، ایده‌های خلاق تازه‌ای در راه آماده شدن بودند که در [کتاب‌های] «فراسوی اصل لذت»^{۱۹} (ع ۱۹۲۰)، «روان‌شناسی گروه»^{۲۰} (۱۹۲۱) و «من و آن»^{۲۱} (۱۹۲۳) آشکار شدند. در واقع این [دوره]ها را نباید با خطی واضح از هم جدا کرد. به عنوان مثال، از قبل [در این سخنرانی‌ها] می‌توان اشاراتی در مورد مفهوم «اجبار به تکرار» پیدا کرد [سخنرانی ۱۸ از کتاب اصلی]، و شروع آنالیز من (ego) کاملاً آشکار است [سخنرانی ۲۶ از کتاب اصلی]، در حالی که مشکلاتی در مورد معانی متعدد واژه‌ی ناخودآگاه وجود دارد [سخنرانی ۹ از کتاب اصلی / سخنرانی ۵ از کتاب حاضر] در حال هموار کردن راهی است که به شرح ساختاری جدید از ذهن می‌انجامد.

فروید در مقدمه‌اش بر این سخنرانی‌ها، آن‌ها را به خاطر فقدان نوآوری، تا حدی ناچیز می‌شمارد. اما هیچ‌کس، هر قدر هم منابع روان‌کاوی را خوب خوانده باشد، از خواندن آن‌ها متأسف و دل‌زده نمی‌شود یا می‌تواند بخش‌های فراوانی را در آن‌ها بیابد که جای دیگر یافت نمی‌شوند. بحث در مورد اضطراب (سخنرانی ۲۵) و در مورد فانتزی‌های اولیه^{۲۲} (سخنرانی ۲۴) که خود فروید در پیش‌گفتارش به عنوان مطالب تازه آن‌ها را متمایز می‌کند، تنها چیزهایی نیستند که او می‌توانست به آن اشاره کند. مرور نمادوری (سمبولیسم) در سخنرانی ۱۰ [سخنرانی ۶ از کتاب حاضر] احتمالاً [در نوع خود] کامل‌ترین است. هیچ جای دیگری نیست که مانند آخرین صفحات سخنرانی ۱۴ [۱۰ از کتاب حاضر] او چنان خلاصه‌ی روشنی از چگونگی به‌وجود آمدن رویاها به دست دهد. هیچ تفسیر قابل فهم‌تری در مورد انحرافات جنسی^{۲۳}، جز آن‌چه در سخنرانی‌های ۲۰ و ۲۱ آمده، وجود ندارد. در نهایت، تحلیل فرآیند روان‌کاوی که در سخنرانی آخر [از کتاب اصلی] آمده، اصلاً نظیر ندارد. و حتا در جایی که به نظر می‌رسد به موضوع قبلاً خوب پرداخته شده (مانند مکانیسم پاراپراکسی‌ها و رویاها)،

رویکرد به آن‌ها از جهات غیرمنتظره‌ای است و نور تازه‌ای بر آن‌چه که ممکن بود به نحو غمگانه‌ای کاملاً آشنا به نظر برسد، می‌افکند. سخنرانی‌های مقدماتی شهرت خود را کاملاً به حق به دست آورده‌اند.^{۲۴}

یادداشت‌ها

1. James Strachey
2. The Psychopathology of everyday life
3. «سخنرانی‌ها» قطعاً بیش‌تر از سایر آثار فروید ترجمه شده است. این کتاب در زمان حیات فروید (غیر از انگلیسی) به زبان‌های هلندی (۱۹۱۷)، فرانسوی (۱۹۲۲)، ایتالیایی (۱۹۲۲)، روسی (۱۹۲۳)، اسپانیایی (۱۹۲۳)، ژاپنی (۱۹۲۸)، نروژی (۱۹۲۹)، عبری (۱۹۳۰)، مجاری (۱۹۳۲)، صرب و کرواتی (۱۹۳۳)، چینی (۱۹۳۳)، لهستانی (۱۹۳۵) و چکی (۱۹۳۶) ترجمه شد. این کتاب احتمالاً تا آن موقع به زبان‌های پرتغالی، سوئدی و بعداً به عربی نیز ترجمه شده بود.
4. Lou Andreas-Salomé
5. Ernest Jones
6. New Introductory Lectures
7. Hanns Sachs
8. Theodor Reik
9. Otto Rank
10. Salzburg
11. Phonographic memory
12. aesthetic unity
13. expository
14. The Question of lay Analysis
15. The Future of an Illusion
16. narcissism
17. Metapsychological
18. watershed

19. Beyond the Pleasure Principle

20. Group Psychology

21. The Ego and the Id

22. primal phantasies

23. perversions

۲۴. این سخنرانی‌ها، بنابر ماهیت‌شان، به موضوعات بسیار متنوعی می‌پردازند. که در برخی از آن‌ها فروید (همان‌طور که خودش در آخرین پاراگراف سخنرانی پایانی گفته) نمی‌توانسته به نحو عمیقی وارد شود. بسیاری از خوانندگان، و به‌ویژه دانش‌اندوزانی که این اثر، اولین آشنایی آن‌ها با روانکاوی است، ممکن است به نکته‌ای برسند که دل‌شان می‌خواهد در مورد آن بیش‌تر بدانند. به همین جهت در پانزدهم‌های این کتاب کوشش شده به نوشته‌های دیگر فروید، ارجاعات فراوانی داده شود. [نوشته‌هایی که] در آن‌ها موضوع مورد بحث با شرح بیش‌تر پرداخته شده است.

پیش‌گفتار^۱

[۱۹۱۷]

آن‌چه به عنوان «معرفی روان‌کاری»^۲ به عموم عرضه می‌کنم، چنان در نظر گرفته نشده که به هیچ‌وجه با شرح‌های جامعی از این حوزه از دانش، که تاکنون وجود داشته‌اند، مانند [نوشته‌های] Hitschmann (۱۹۱۳)، Pfister (۱۹۱۳)، Kaplan (۱۹۱۴)، Regis و Hesnard (۱۹۱۴) و Meijer (۱۹۱۵) رقابت کند. این کتاب بازآفرینی وفادارانه‌ای از درسمه‌هایی است که من [در دانشگاه] در طول دو ترم زمستانی ۱۹۱۵-۱۶ و ۱۹۱۶-۱۷ در حضور خانم‌ها و آقایان پزشکی و غیرپزشک ارائه کردم.

پیش‌چشم خوانندگان، هرگونه غرابتی از این کتاب، باید به حساب شرایطی گذاشته شود که از آن ریشه گرفته است. در ارائه [این سخنرانی‌ها] امکان نداشت آرامش مطلق یک رساله‌ی علمی را پاس داشت. برعکس، سخنران مجبور بود تلاش کند که از انحراف توجه شنوندگان، در طول جلسه‌ای که تقریباً دو ساعت طول می‌کشید، ممانعت نماید. اقتضای لحظه، اغلب اجتناب از تکرار را در پرداختن به موضوع ویژه‌ای غیرممکن می‌ساخت — به عنوان مثال [موضوعی]

ممکن بود یک‌دفعه در ارتباط با تعبیر رؤیا و سپس دوباره در ارتباط با مسائل روان‌نژندی‌ها به بحث کشیده شود. همچنین به‌خاطر روشی که در آن مطالب مرتب شده‌اند، برخی مباحث مهم (به‌عنوان مثال، ناخودآگاه) نمی‌توانستند به‌نحو جامعی در یک نقطه مورد بررسی قرار گیرند [و] مجبور بودند مکرراً برگرفته و مجدداً فرو گذاشته شوند تا فرصت تازه‌ای برای اضافه کردن اطلاعات دیگری در مورد آن‌ها پیش بیاید.

آنان که با ادبیات روان‌کاوی آشنایی دارند در این مقدمه‌ی اندک چیزی خواهند یافت که قبلاً آن را از سایر آثار بسیار مشروح‌تر کسب نکرده باشند. با این همه، برای جمع‌بندی و خلاصه کردن موضوع، نویسنده بر آن شد تا در نقاط خاصی (سبب‌شناسی اضطراب و فانتزی‌های هیستریک) مطالبی را پیش بکشد که تا به حال پیش خود نگاه داشته بود.

فرید

وین، بهار ۱۹۱۷

یادداشت‌ها

۱. [این پیش‌گفتار از ترجمه‌ی انگلیسی ۱۹۲۲ و چاپ‌های بعدی آن حذف شد].
۲. [ترجمه‌ی کلمه به کلمه‌ی عنوان آلمانی کتاب چنین می‌شود: «سخنرانی‌هایی در خدمت معرفی کردن روان‌کاوی»].

پیش‌گفتار بر ترجمه‌ی عبری^۱

[۱۹۳۰]

این سخنرانی‌ها در [سال‌های] ۱۹۱۶ و ۱۹۱۷ ارائه شدند؛ آن‌ها شرح نسبتاً دقیقی از موقعیت این دانش‌جوان در آن دوره می‌دهند و شامل چیزهایی هستند بیش‌تر از آنچه عنوان‌شان گواهی می‌دهد. آن‌ها نه تنها روان‌کای را معرفی می‌کنند، بلکه قسمت اعظم موضوعات آن را در برمی‌گیرند. در این فاصله پیشرفت‌هایی در تئوری صورت گرفته و مطالب مهمی به آن اضافه شده است، مانند تقسیم شخصیت به من، فرامن و آن، تغییری بنیادی در تئوری سائق‌ها و کشفیاتی در مورد منشأ وجدان و احساس گناه. به این ترتیب این سخنرانی‌ها تا حد زیادی ناکامل مانده‌اند: در حقیقت تنها اکنون است که می‌توان آن‌ها را «مقدماتی» به حساب آورد. اما در مفهومی دیگر، آن‌ها حتا اکنون هم جانشینی پیدا نکرده یا کهنه نشده‌اند. جدای از تغییرات اندک، محتوای آن‌ها را هنوز در مدارس آموزش روان‌کاوی، باور دارند و [در آن‌جا] مورد تدریس قرار می‌دهند. خوانندگان عبری و به‌ویژه افراد جوانی که مشتاق دانش‌اند در این کتاب باروان‌کاوی‌ای آشنا می‌شوند که به لباس این زبان باستانی در آمده است...

[نویسنده] از... آن‌ها... می‌خواهد خیلی سریع به اولین احساسات نقادانه و ناخوشایندشان با رد کردن آن واکنش نشان ندهند. روان‌کاوی [مطالب] فراوانی را پیش کشیده که جدید هستند، و در میان آن‌ها [مطالب] زیادی که با عقاید سنتی در تضادند و احساسات عمیقاً ریشه‌دار را جریحه‌دار می‌کنند، و [مطالبی] که همواره در آغاز انکار را برمی‌انگیزند. خواننده‌ای که قضاوتش را کنار بگذارد احتمالاً به این اعتقاد می‌رسد که حتا این نوآوری ناخوشایند، ارزش دانستن دارد و برای هر کسی که آرزومند فهم ذهن و زندگی انسان است، ضروری است.

فرید

وین، دسامبر ۱۹۳۰

یادداشت‌ها

۱. [این پیش‌گفتار اولین بار به زبان آلمانی در G. S. جلد ۱۲ (۱۹۳۴)، چاپ شد و در G. W. جلد ۱۶ (۱۹۵۰)، مورد چاپ مجدد قرار گرفت. در این جا برای اولین بار این پیش‌گفتار توسط جیمز استراچی به زبان انگلیسی در آمده است...]

پیش‌گفتار مترجم

یکی داستان زد بر او پیلتن که هر کس که سر برکشد ز انجمن
خرد بساید و گوهر نامدار هنریار و فرهنگش آموزگار
چو این گوهران را به جا آورد دلاور شود پرو پا آورد
از آتش نبینی جز افروختن جهانی چو پیش آیدش سوختن

۱. «سخنرانی‌هایی در معرفی روان‌کاوی» در کتاب اصلی مشتمل بر ۲۸

سخنرانی، در سه بخش است که ۴ سخنرانی اول، در باب پاراپراکسی‌ها^۱
(لغزش‌وری‌ها)، ۱۱ سخنرانی بعدی در مورد رؤیاها و ۱۳ سخنرانی آخر در
مورد تئوری عمومی نئوروزها (روان‌نژندی‌ها) است. اما قسمت عمده‌ی کتاب
حاضر، ترجمه‌ی بخش دوم درسنامه‌های مقدماتی یعنی رؤیاهاست. تنها
سخنرانی اول از بخش سوم با عنوان «روان‌کاوی و روان‌پزشکی»، که جنبه‌ی
عمومی‌تری دارد، ترجمه و به سخنرانی‌های بخش دوم کتاب افزوده شده است.
شاید این موضوع که فروید برای شناساندن روان‌کاوی، یازده سخنرانی را
به رؤیاها اختصاص می‌دهد کمی عجیب به نظر برسد. خود او در انتهای نیمه‌ی
نخست این سری سخنرانی‌ها در این مورد چنین می‌گوید: «با اطمینان به شما
می‌گویم از این‌که عمده توجه شما و زمانی را که در اختیارمان بود، به بررسی

مسائل رؤیاها اختصاص دادم، متأسف نیست. هیچ مطلب دیگری نیست که به کمک آن بتوان به این سرعت به اطمینان در مورد صحت فرضیه‌ای که روان‌کاوی بر آن ایستاده، یا بر آن افتاده، رسید. کار طاقت‌فرسای چند ماهه و حتا چند ساله لازم است برای این که نشان دهیم سمپتوم‌های (شکایات) فردی روان‌نژند معنا دارند، هدفی را تأمین می‌کنند و از تجربیات زندگی فرد بیمار نشئت می‌گیرند. از سوی دیگر تنها تلاشی چند ساعته ممکن است کافی باشد برای این که ثابت کنیم همین مطالب در مورد رؤیایی که تا حد غیر قابل فهم بودن، آشفته به نظر می‌رسد، صدق می‌کند، و به این ترتیب تمام قضایای روان‌کاوی را اثبات نماییم: ماهیت ناخودآگاه فرآیندهای ذهنی، مکانیسم‌های ویژه‌ای که این فرایندها از آن تبعیت می‌کنند و نیروهای سائقی که در آن‌ها ظهور می‌کنند...»^۳

۲. فروید بارها در این سخنرانی‌ها نظریه‌های مخالفش را به نقد می‌کشد و در این کار از زبان طنز نیز سود می‌جوید، مثلاً در جایی می‌گوید: «پاسخ اولم به پرسشی که چرا رؤیاها نباید معانی متنوعی، در مفهوم نشان داده شده، داشته باشند، پاسخ معمول در چنین مواردی است: «نمی‌دانم چرا نباید معانی متنوعی داشته باشند. من نیاستی مخالفتی داشته باشم. تا آن جا که به من مربوط می‌شود می‌توانست این جور باشد. فقط یک امر جزئی است که سد راه این دیدگاه بسیط‌تر و دم‌دست‌تر در مورد رؤیاها قرار می‌گیرد - این که در واقعیت این چنین نیست.»^۴

۳. سخنرانی‌ها در کتاب حاضر از ۱ تا ۱۲ شماره‌گذاری شده‌اند و در کتاب اصلی، بنابر آن چه گفته شد، آن‌ها سخنرانی‌های پنجم تا شانزدهم را تشکیل می‌دهند.

۴. بنا به ترجیح ناشر، پانویس‌های هر سخنرانی، به صورت «یادداشت‌ها» در انتهای آن سخنرانی آمده‌اند. امیدوارم خوانندگان از خواندن پانویس‌های ضروری کتاب پایه‌های متن آن غافل نشوند.

در این جا باید مراتب سپاس خود را از خانم دکتر میترا کدیور، که درس‌های

فراوانی از کلاس‌های‌شان آموختم، تقدیم کنم. باید گفت این ترجمه، از جهات بسیار و امدار ایشان است. ایشان در طی ده سال حضور خود در ایران نه تنها به ما آموختند که فروید را چگونه باید خواند و ترجمه کرد، بلکه روان‌کاوی را نیز در جامعه‌ی ما پایه‌گذاری کردند و «انجمن ارتباط با جامعه‌ی جهانی روان‌کاوی» را بنیان نهادند و به مصداق:

خوش بود گر محک تجربه آید به میان تاسیه‌روی شود هر که در او غش باشد معیاری شدند برای جدا کردن سره از ناسره.

از خانم‌ها نازنین آیگانی و شهنار ازخ و آقای افشین زمانی که متن ترجمه را قبل از چاپ خواندند و راهنمایی‌های ارزشمندی کردند نیز تشکر می‌کنم. در ضمن از آقایان کیانیان مدیر محترم نشر چشمه که امکان چاپ و انتشار این اثر را فراهم آوردند و خانم فرشته ساری که زحمت ویراستاری کتاب را با همدلی و دقت فراوان برعهده گرفتند، کمال تشکر را دارم.

سخن آخر این که می‌دانم و به نقص خود معترفم که با وجود تلمذ در محضر استاد و ترجمه‌ی مکرر متن اولیه، این ترجمه بهترین ترجمه نیست. از کوشش برای حک و اصلاح آن دست نخواهم کشید که کلام فرزانه‌ی فروید را به پارسی درآوردن، گستاخی زیادی لازم دارد^۵. در این جا صد البته به جرئت و شهامت کسانی که به صرف اندک مایه‌ای در زبان، اقدام به ترجمه‌ی فروید کرده‌اند و می‌کنند درود می‌فرستم، شاید شهامت آنان بوده که مرا نیز برای اول بار به این ترجمه واداشت. اگرچه فرزانه‌ی توس می‌فرماید:

سخن گفت ناگفته چون گوهر است کجا ناگشاده به سنگ اندر است
چو از بند و پیوند یابد رها درخشنده مهری بود با بها
بسا سخن‌ها که چون از بند رها شوند تنها سفلگی صاحب سخن را به رخ کشند. امید که این ترجمه چنین نباشد.

یادداشت‌ها

۱. فروید در درسنامه دوم [از کتاب اصلی] در مورد پاراهاکسی‌ها (لغزش‌وری‌ها) چنین توضیح می‌دهد:

به عنوان مثال، از سر اتفاق ممکن است شخصی که قصد داشته چیزی بگوید، به جای از کلمه‌ی دیگری استفاده کند (لغزش زبانی [versprechen]). یا ممکن است همین کار را در نوشتن بکند، و ممکن است به آنچه انجام داده واقف باشد یا نباشد. یا ممکن است شخصی چیزی را از چاپ یا دست‌نویس بخواند [که] با آنچه واقعاً جلو چشم اوست متفاوت باشد (گزارخوانی [Misreading] [Verlesen]) یا ممکن است آنچه به او گفته شده را اشتباه بشنود (بد شنیدن [Mishearing] [Verhoren]) - البته با این فرض که هیچ‌گونه اختلال ارگانیکی قوای شنیداری وجود نداشته باشد. گروه دیگری از این پدیده‌ها براساس فراموش کردن [vergessen] هستند - با این حال، نه یک فراموشی دائمی بلکه فقط یک فراموشی موقت. بدین ترتیب شخصی ممکن است نامی را که مع انوصت می‌داند و می‌تواند تشخیص بدهد، نتواند به یاد آورد. یا ممکن است فراموش کند قصدی را به عمل در آورد، در حالی که بعداً آن را به یاد آورد و بدین ترتیب فقط آن را در لحظه‌ی خاصی فراموش کرده باشد. در گروه سوم، خاصه‌ی موقتی بودن غالب است - به عنوان مثال در مورد کزگذاردن [verlegen] Mislaying. وقتی که یک فرد چیزی را جایی گذاشته و نمی‌تواند آن را دوباره پیدا کند. یا در مورد دقیقاً هم‌تراز گم کردن [Verlieten]. این‌جا ما نوعی از فراموش کردن را داریم که با آن متفاوت از سایر انواع فراموشی برخورد می‌کنیم. نوعی که از آن شگفت‌زده می‌شویم یا آزار می‌بینیم به جای آن‌که آن را قابل فهم بباییم. علاوه بر تمام این‌ها، انواع ویژه‌ای از اشتباهات [Irrtumer] وجود دارند که در آن‌ها ویژگی موقتی بودن باز هم حاضر است؛ چرا که در مثال آن‌ها، ما برای مدت زمانی فکر می‌کنیم چیزی درست است که هم قبل و هم بعد از آن چنین فکر نمی‌کنیم... تمام این‌ها اتفاقاتی هستند که قرابت درونی آن‌ها در این واقعیت بیان شده که [در آلمانی] با هجای (Ver) آغاز می‌شوند.

۲. معادل بر ساخته توسط آقای داربوش آشوری. از کتاب فرهنگ علوم انسانی، نشر مرکز چاپ اول، تهران ۱۳۷۴. برای برخی دیگر از معادل‌های این ترجمه (مانند نمادوری برای سمبولیسم) نیز از منبع فوق استفاده شده است.

۳. سخنرانی یازدهم از کتاب حاضر

۴. سخنرانی دهم از کتاب حاضر

۵. هر جا مترجم برای روان‌تر شدن ترجمه از خود کلمه‌ای به متن اصلی اضافه کرده، آن را در داخل کروشه قرار داده است. پانویس‌های داخل کروشه از ویراستار چاپ انگلیسی کتاب است (یعنی آقای جیمز استراچی [James Strachy]). مگر موارد معدودی که کلمه‌ی مترجم فارسی در انتهای پانویس ذکر شده باشد. پانویس‌های بدون کروشه از نویسنده است.